جمهوری‌خواهان قصد دارند با پرونده دریافت کمیسیون جو بایدن و پسرش از شرکت‌های چینی و اوکراینی، انتقام بگیرند

استیضاح آقای پورسانت

فرهیختگان «آصف علی زرداری» رئیس‌جمهور اسبق پاکستان (۲۰۱۳-۲۰۰۸) در میان افکار عمومی به «آقای ۱۰ درصد» مشهور است. ریشه این شهرت به سال‌ها پیش یعنی در زمان نخست‌وزیری همسرش «بی‌نظیر بوتو» بازمی‌گردد. گفته می‌شود داماد خانواده سیاسی بوتوها در دوران نخست‌وزیری همسرش از قراردادهای دولتی حق دلالی (کمیسیون) «۱۰ درصدی» می‌گرفته و به همین دلیل از سوی «حسین حقانی»، رهبر مبارزان ضدبوتو به آقای ۱۰ درصدی مشهور شد. این همان کاری است که به اعتقاد جمهوری‌خواهان، جو بایدن در زمانی که معاون رئیس‌جمهور آمریکا بوده، انجام داده است. بایدن متهم است به کمک اعضای خانواده‌اش -که مسئولیت دولتی نداشته‌اند- اقدام به دریافت کمیسیون از برخی قراردادهایی می‌کرده که در آنها اعمال نفوذ داشته است. بررسی واشنگتن‌پست از اسناد لپ‌تاپی که هانتر بایدن در سال ۲۰۱۹ برای تعمیر به یک مغازه در ایالت دلاور سپرد و هرگز برای پس گرفتنش اقدامی نکرد، نشان می‌دهد که هانتر و جیمز بایدن (برادر رئیس‌جمهور) در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ از یک شرکت انرژی چینی مرتبط با حزب کمونیست چین (CEFC China Energy) حداقل ۴٫۸ میلیارد دلار دریافت کردند. ظاهرا جو بایدن در می ۲۰۱۷ با تونی بوبولینسکی، شریک تجاری آن زمان هانتر بایدن ملاقات کرده تا در مورد قرارداد CEFC مذاکره کنند و ایمیلی در همان ماه از یکی دیگر از همکاران هانتر بایدن، جیمز گیلیار، وجود دارد که گیلیار به هانتر پیشنهاد کرده که ۱۰ درصد از مبلغ معامله تجاری را برای «مرد» (منظور جو بایدن) کنار بگذارد. این موضوع در کنار گزارش شبکه خبری اسکای نیوز مبنی بر اینکه «یکی از مدیران شرکت انرژی اوکراینی «بوریسما هلدینگ» اسنادی را در اختیار دارد که ثابت می‌کند در زمانی که «جو بایدن» معاون رئیس‌جمهور آمریکا بود، ۵ میلیون دلار به وی و ۵ میلیون دلار هم به پسر بایدن که در آن زمان عضو هیات‌مدیره این شرکت اوکراینی بوده رشوه پرداخت کرده» یک بار دیگر موضوع فساد مالی خانواده بایدن را به صحنه سیاسی آمریکا کشانده است. نخستین بار به صورت جدی، تیم دونالد ترامپ موضوع فساد هانتر و جو بایدن را به رسانه‌ها کشاندند. صاحب مغازه‌ای که قرار بود لپ‌تاپ هانتر بایدن را تعمیر کند، یک نسخه از هارد آن را در اختیار «رودی جولیانی» وکیل دونالد ترامپ قرار داد. جولیانی نیز نسخه‌ای از هارددیسک را به نیویورک‌پست داد. اگرچه اطلاعات داخل هارد بیانگر آگاهی و مشارکت جو بایدن در معاملات تجاری پسرش با نهادهای مرتبط با دولت‌های خارجی بود و می‌توانست در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ به کمک ترامپ بیاید اما او خطا کرد و در تماسی تلفنی با رئیس‌جمهور اوکراین از زلنسکی خواسته بود تا احتمال فساد اقتصادی پسر بایدن را پیگیری کند و درمقابل، وعده افزایش کمک نظامی به اوکراین را داده بود. با افشای این موضوع و شکایت یک مقام اطلاعاتی آمریکا از سوءاستفاده ترامپ از قدرت، دموکرات‌ها ترامپ را متهم کردند که از قدرت خود سوءاستفاده کرده تا یک کشور خارجی را به مداخله در انتخابات ۲۰۲۰ فرابخواند. این موضوع باعث شد مجلس نمایندگان برای نخستین بار ترامپ را استیضاح کند. پس از ۴ سال از استیضاح ترامپ، بومرنگ هانتر بایدن، به سمت پدرش بازگشته و احتمالا او را با دشواری‌هایی مواجه خواهد کرد. «کوین مک کارتی»، رئیس جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آمریکا در مصاحبه با فاکس‌نیوز اعلام کرد که تحقیقات اعضای جمهوری‌خواه کنگره به سطحی رسیده که ممکن است مساله استیضاح بایدن را کلید بزند. او به دقت تفاوت بین تحقیقات اولیه استیضاح و رای رسمی استیضاح که ممکن است به دنبال داشته باشد را تشریح کرد. یکی از جمهوری‌خواهان ارشد مجلس نمایندگان که خواست نامش فاش نشود، گفته که «جمهوری‌خواهان در حال «تحقیق» هستند که آیا شواهد کافی برای راه‌اندازی چنین تحقیقی وجود دارد یا خیر؟» البته موضوع استیضاح بایدن اکنون مدت‌هاست که از سوی برخی نمایندگان جمهوری‌خواه به بهانه‌های مختلف مطرح می‌شود اما در آستانه شروع رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری به نظر می‌سد که بحث اقدامات هانتر بایدن، پسر رئیس‌جمهوری آمریکا آنچنان ابعاد وسیعی پیدا کرده که نه‌تنها اکنون به سلاح اصلی مقابله با بایدن و دموکرات‌ها تبدیل شده، بلکه می‌رود تا به مطرح شدن جدی موضوع استیضاح وی نیز ختم شود.

استیضاح برای چه؟

دلایل اتهامی برای تحقیق استیضاح چیست؟ در هر دو عنوان، نام هانتر بایدن، پسر مشکل‌ساز رئیس‌جمهور مطرح است. اتهام اول این است که جو بایدن در زمانی که معاون رئیس‌جمهور بود، در نفوذ پسرش در شرکت‌های خارجی مشارکت داشته است. اینکه هانتر برای سود شخصی دست به اقداماتی زده است، ادعایی منصفانه است اما فعلا این به معنای دخالت پدرش به حساب نمی‌آید. اما روزنامه «فاکس‌نیوز» وابسته به جمهوری‌خواهان روز سه‌شنبه گزارش داد که پیش‌تر سناتور «چاک گراسلی» سندی از اف‌بی‌آی (FBI) را منتشر کرده بود که در آن به نقل از منابعی که از آنها نامی برده نشده است، سیستم فساد مالی شرکت انرژی اوکراینی «Burisma» را با مشارکت جو بایدن تشریح می‌کند. این سناتور آمریکایی با انتشار این سند محرمانه اعلام کرد که در این سند به‌صورت مستقیم گفته می‌شود که این شرکت به «هانتر بایدن» پسر رئیس‌جمهور سمتی را در هیات‌مدیره پیشنهاد کرده تا «وی از طریق پدرش از ما در برابر هرگونه مشکلی دفاع نماید.» این سند به جزئیات چگونگی همکاری جو بایدن با فرزندش در تحت فشار قرار دادن «نیکلای زلاچفسکی»، مدیر اجرایی شرکت اوکراینی Burisma برای پرداخت میلیون‌ها دلار در مقابل صیانت آن دو از وی در برابر صدور تحت تعقیب دادستان اوکراینی علیه مدیر اجرایی این شرکت و اخراج این دادستان می‌پردازد. گفته می‌شود جمهوری‌خواهان هنوز اطلاعات غیرقابل خدشه‌ای پیدا نکرده‌اند که رئیس‌جمهور را به ترتیبات تجاری پسرش مرتبط کند یا اینکه ثابت کند جو بایدن رشوه دریافت کرده است. اتهام دوم به توافق هانتر و وزارت دادگستری آمریکا بازمی‌گردد. هانتر به یک «توافق پیش از محاکمه» دست یافته بود تا با اعتراف به دو اتهام عدم پرداخت عمدی مالیات بر درآمد خود، اتهام مرتبط با اسلحه وی از پرونده او پاک شود. روز چهارشنبه هانتر بر سر مساله اسلحه با دادگاه به اختلاف برخورد و همین باعث شد معامله پیشین باطل شود. به گزارش «هیل»، هانتر به دلیل مالکیت غیرقانونی یک اسلحه کمری «کلت کبرا» مورد تحقیق و تفحص دادگاه است. ماجرای هانتر به‌ویژه واکنش شدید جمهوری‌خواهان را برانگیخت. آنها می‌گویند دستگاه قضایی آمریکا به‌خاطر جو بایدن با پسرش نرم برخورد می‌کند و معتقدند که هانتر باید به‌خاطر برخی معاملات تجاری دیگرش هم محاکمه می‌شد.

قمار استیضاح

در آمریکا تنها سه رئیس‌جمهور استیضاح شده‌اند: اندرو جانسون در سال ۱۸۶۸، بیل کلینتون در سال ۱۹۹۸ و دونالد ترامپ در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱. در هیچ‌یک از این استیضاح‌ها، روسای جمهور توسط سنا محکوم نشدند و توانستند به کار خودشان ادامه بدهند. جمهوری‌خواهان در مجلس نمایندگان اکثریت را در اختیار دارند اما در سنا، وضع فرق می‌کند. دموکرات‌ها در حال حاضر اکثریت ۵۱ به ۴۹ در سنا را دارند و عملا تضمین می‌کنند که هرگونه ارجاع استیضاح بایدن از مجلس، به سرنوشت مشابهی با سایر استیضاح‌ها خواهد رسید. با این وجود اما اصرار برای استیضاح بایدن، در جناح راست جمهوری‌خواهان تبدیل به یک مساله حیثیتی شده است. در دوره‌ای که دموکرات‌ها ترامپ را استیضاح می‌کردند، جمهوری‌خواهان تهدید کرده بودند که این کار را در زمانی که یک رئیس‌جمهور دموکرات روی کار بیاید، تلافی خواهند کرد. حالا گویا بهانه برای این اقدام پیدا شده است. آخرین باری که جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان را در اختیار داشتند و یک رئیس‌جمهور دموکرات را استیضاح کردند، به پاییز ۱۹۹۸ بازمی‌گردد. استیضاح در انتخابات میان‌دوره‌ای آن سال، نتیجه معکوس داد و حزب رئیس‌جمهور (دموکرات) برای اولین بار در ۶۴ سال گذشته‌اش، هیچ کرسی در کنگره را در انتخابات میان‌دوره‌ای از دست نداد و توانست پنج کرسی مجلس نمایندگان را به دست آورد.

اگر قمار است چرا استیضاح؟

با وجود تجربه استیضاح‌های ناکام، چرا حداقل طیفی از جمهوری‌خواهان بر انجام آن مصرند؟ در سه ماه گذشته طیفی از جمهوری‌خواهان به بهانه‌های مختلف از جمله نحوه رسیدگی بایدن به موضوع مهاجرت و اوضاع مرزی با مکزیک و نیز پرونده جنجالی «هانتر بایدن»، درمورد جرایم مالیاتی و نیز استفاده از سلاح گرم، به دنبال استیضاح رئیس‌جمهور بودند اما «کوین مک کارتی» رئیس مجلس نمایندگان به علت واهمه از تبعات این تصمیم، از طرح آن در مجلس نمایندگان جلوگیری کرده بود. حالا او نیز ناچار به حمایت از استیضاح شده است. سناتور میت رامنی که در دو محاکمه جداگانه سنا دو بار به محکومیت ترامپ به اتهام استیضاح رای داد، استیضاح را به رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا گره زده است. او گفته «غیرعادی نیست که قانونگذاران حملات بی‌اساس علیه نامزد یک حزب بزرگ برای ریاست‌جمهوری انجام دهند.» دموکرات‌ها معتقدند که جنبش «استیضاح بایدن» مانوری برای انحراف توجه از مشکلات حقوقی ترامپ است. در حال حاضر تحقیقات در مورد دخالت در انتخابات، سوءاستفاده از اسناد طبقه‌بندی‌شده و نقش ترامپ در دامن زدن به قیام ۶ ژانویه در حال افزایش است. به اعتقاد آنان، جمهوری‌خواهان تلاش می‌کنند توجه افکار عمومی را از سومین کیفرخواست احتمالی دونالد ترامپ نامزد پیشتاز ریاست‌جمهوری حزب‌شان، منحرف کنند.

جمهوری‌خواهان می‌ترسند

تنش‌های درون‌حزبی بر سر استیضاح در حالی رخ می‌دهد که دموکرات‌ها می‌خواهند جمهوری‌خواهان را به دلیل اصرار بیش از حد در هدف قرار دادن بایدن با نزدیک شدن به مبارزات انتخاباتی ۲۰۲۴ مورد حمله قرار دهند. در قلب مخالفت دموکرات‌ها این اتهام وجود دارد که استیضاح بایدن به دلایل ضعیف به منزله انتقام سیاسی پس از دو استیضاح دونالد ترامپ است. بسیاری از جمهوری‌خواهان دو استیضاح ترامپ را ناعادلانه می‌دانند. جمهوری‌خواهان در این مبارزه انتقام‌جویانه یکدست نیستند. سناتورهای جمهوری‌خواه استیضاح بایدن را پیش از انتخابات ۲۰۲۴ به‌عنوان یک استراتژی سیاسی پرخطر می‌دانند که می‌تواند رأی‌دهندگان میانه را از کار بیندازد. آنها می‌گویند که حزب بهتر است به جای جنگیدن در نبردهای کثیف برای تسویه‌حساب‌های سیاسی گذشته، روی چگونگی بهبود زندگی آمریکایی‌ها در آینده تمرکز کند. جمهوری‌خواهان سنا عموما از تحقیقات مجلس نمایندگان به رهبری جمهوری‌خواهان در مورد معاملات تجاری خانواده بایدن فاصله گرفته‌اند و اوایل تابستان امسال آنچه را که به‌عنوان طرحی عجولانه توسط نماینده، لورن بوبرت برای استیضاح بایدن به دلیل نداشتن شواهد ارائه شده بود، رد کردند. سناتور جان کورنین، دومین مقام عالی‌رتبه حزب جمهوری‌خواه در سنا، سه‌شنبه اظهار داشت که استانداردهای مجلس برای استیضاح رئیس‌جمهور در سال‌های اخیر کاهش یافته است. او به خبرنگاران گفت که استیضاح روسای جمهور به یک عادت تبدیل شده است و این چیز خوبی نیست.

شانس استیضاح چقدر بالاست؟

موفقیت نهایی قطعنامه استیضاح در مجلس بسیار مورد تردید است. جمهوری‌خواهان اکثریت محدودی را در مجلس دارند و برخی از میانه‌روها در حزب که به رقابت‌های چالش‌برانگیز برای انتخابات مجدد در نوامبر ۲۰۲۴ فکر می‌کنند، از پیشبرد روندی که تنها به شعله‌ور کردن اختلافات سیاسی در آمریکا می‌پردازد ابراز ناراحتی کرده‌اند. مراحل استیضاح زمان بسیار زیادی را می‌طلبد و در زمان برگزاری آن ممکن است اتفاق دیگری در کنگره بیفتد. برخی از جمهوری‌خواهان نیز استدلال کرده‌اند که مجلس نمایندگان باید قبل از اینکه قانونگذاران استیضاح را بررسی کنند، فساد یا تخلف واقعی را پیدا کند. هرگونه روند استیضاح مطمئنا در سنا که توسط دموکرات‌ها کنترل می‌شود، با شکست مواجه خواهد شد. با وجود تمرکز بخشی از جمهوری‌خواهان کنگره برای استیضاح، همه چیز برای بایدن خیلی خوب پیش می‌رود. در دولت او تورم تحت کنترل است؛ آمار بیکاری بسیار پایین است و دستمزدهای واقعی بالا رفته است. این وضعیت شانس جمهوری‌خواهان برای موفقیت استیضاح حتی در مجلس نمایندگان را با تردید مواجه کرده است.

گزارش

هشدار لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس درباره فشار واگنر برای حمله به ورشو چقدر جدی است؟

شعله‌های جنگ به لهستان می‌رسد

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه بین‌الملل

رسانه‌های غربی مدعی شده‌اند کمتر از ۱۰ روز پیش مردمی که در نزدیکی مرز لهستان با بلاروس زندگی می‌کنند، گفته‌اند پس از ورود گروه واگنر روسیه برای آموزش نیروهای ویژه بلاروس، صدای تیراندازی و هلی‌کوپترها را می‌شنوند و این نگرانی آنها را برای رسیدن جنگ اوکراین به لهستان تشدید می‌کند. این خبر در کنار اعزام ۵۰۰ پلیس برای تقویت امنیت مرز با بلاروس در ماه جولای و همچنین دستور «ماریوش بلاشاک» وزیر دفاع لهستان برای انتقال بیش از هزار نیرو به شرق این کشور، گمانه‌زنی درباره وقوع جنگ احتمالی دیگری را در اروپا تشدید کرده است. هشدار روز جمعه ولادیمیر پوتین پیرامون اینکه «تجاوز به بلاروس حمله به روسیه تلقی خواهد شد و روسیه با تمام امکاناتی که در اختیار دارد، به آن پاسخ خواهد داد» و همچنین دیدار روز یکشنبه پوتین با الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس و سخنان لوکاشنکو، ضرباهنگ آرامی بر یک نبرد دیگر در اروپا است. واکنش روز سه‌شنبه متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا مبنی بر اینکه «اگر به لهستان حمله خارجی شود، واشنگتن از این کشور دفاع خواهد کرد» نشان می‌دهد که تا یک نبرد دیگر در قاره سبز، فاصله چندانی نیست. این اظهارات میلر واکنشی به سخنان لوکاشنکو در دیدار با پوتین است. او به پوتین گفت «شاید نباید آن را بگویم، اما خواهم گفت. ما کم کم تحت فشار واگنری‌ها قرار می‌گیریم. آنها می‌گویند ما می‌خواهیم به غرب برویم. به ما اجازه این کار را بدهید. از آنها پرسیدم چرا می‌خواهید به غرب بروید و آنها می‌گویند می‌خواهیم به ورشو، به ژشوف برویم.» ژشوف بزرگ‌ترین شهر منطقه جنوب شرق لهستان محسوب می‌شود. رئیس‌جمهور بلاروس البته این را هم گفت که «بلاروس نمی‌خواهد واگنر را به نزدیکی مرز لهستان منتقل کند.» می‌گویند هنگامی که ولادیمیر پوتین از این موضوع مطلع شد، نتوانست جلوی خنده‌اش را بگیرد. این اظهارات نشان می‌دهد جنگ بیش از هر زمان دیگری پشت در اروپا چشم‌انتظار یک اشتباه کوچک است. تنش‌ها بین بلاروس و لهستان ماه گذشته پس از آن افزایش یافت که «آندری کارتاپولوف» افسر سابق ارتش روسیه در مصاحبه با تلویزیون دولتی روسیه گفت که انتقال نیروهای واگنر به بلاروس، روسیه را «در موقعیتی مطلوب برای هدف قرار دادن دارایی‌های ناتو در نزدیکی لهستان و لیتوانی قرار می‌دهد.» کارتاپولوف هشدار داد که جنگجوهای واگنر می‌توانند در «عرض چند ساعت» از پایگاه دفاعی تازه احیا شده خود در اوسیپوویچی، شهری در ۲۳۰ کیلومتری (۱۴۲ مایلی) شمال مرز اوکراین، به منطقه مرزی لهستان و لیتوانی حمله کنند. این افسر سابق ارتش روسیه گفت آنها نوار زمینی که اهمیت نظامی حیاتی برای روسیه دارد که بین لهستان و لیتوانی قرار دارد- کریدور سووالکی که به شکاف سووالکی نیز معروف است- را تصرف خواهند کرد. کریدور سووالکی که بین بلاروس و منطقه بالتیک روسیه در کالینینگراد واقع شده است، تنها نقطه است که کشورهای بالتیک لیتوانی، لتونی و استونی را با سایر کشورهای ناتو مرتبط می‌کند و با تصرف این نوار زمینی می‌توان یک ارتباط زمینی به کالینینگراد، پایگاه اصلی ناوگان بالتیک روسیه ایجاد کرد. ژنرال کارتاپولوف اظهار داشت که «معلوم است که واگنر برای آموزش نیروهای مسلح به بلاروس رفته است، اما مکانی مانند کریدور سووالکی نیز وجود دارد. اگر اتفاقی بیفتد، ما به این کریدور سووالکی بسیار نیاز داریم... یک نیروی ضربتی [مستقر در نیروهای واگنر در بلاروس] آماده است تا این راهرو را در چند ساعت طی کند.» در اصطلاح ناتو، شکاف سووالکی، نوار زمینی حیاتی و حساس نظامی به طول ۶۰ تا ۱۰۰ کیلومتر است که بین بلاروس و منطقه کالینینگراد روسیه قرار دارد. این منطقه نقطه ضعف ائتلاف ناتو محسوب می‌شود. احتمالا در صورت وقوع جنگ، ارتش روسیه از این کریدور برای قطع سریع کشورهای بالتیک با بقیه ناتو استفاده کند.

چگونه بخشی از اوکراین عضو ناتو می‌شود؟

بخش‌های جنوبی اوکراین شامل پنج استان کریمه، دونتسک، لوهانسک، زاپروژیا و خرسون به خاک روسیه ملحق شده‌اند و جنگ همچنان ادامه دارد. مقامات ناتو می‌گویند تنها پس از جنگ حاضرند عضویت اوکراین در این سازمان را بررسی کنند؛ آن هم با هر نتیجه‌ای که رخ داده باشد. وضعیت اوکراین اما در حین جنگ بسیار دشوار است. با شروع جنگ از سال ۲۰۲۲ تاکنون یک‌پنجم خاک این کشور اشغال شده و جمعیت ۴۹ میلیونی آن تقریبا نصف شده است. با این وضعیت مشخص است اوکراین حتی درصورت پیروزی در جنگ بازهم بازنده خواهد بود. در همین رابطه ستین وو، یک پژوهشگر آمریکایی حوزه سیاست خارجی در کالج ماکالستار شهر سنت‌پل ایالت مینه‌سوتا در تحلیلی درباره آینده پیش روی اوکراین برای پایگاه آمریکایی هیل نوشته است: «صرف‌نظر از اینکه جنگ در اوکراین چه نتیجه‌ای داشته باشد، این جنگ آسیب خود را به این کشور وارد کرده است. زیرساخت اوکراین ویران و اقتصادش در هرج‌ومرج است و حالا افول ادامه‌دارش به‌سمت تبدیل شدن به یک کشور شکست‌خورده شتاب مرگباری پیدا کرده است.» تضعیف قطعی اوکراین باعث‌شده پس از مدت‌ها بار دیگر فرضیه طمع ارضی لهستان به خاک اوکراین جدی گرفته شود. تا پیش از این در میانه جنگ اغلب لهستان به‌عنوان متحد اوکراین در جنگ دیده می‌شد اما گویا وضعیت درحال تغییر است. لهستان که از رهگذر تبدیل شدن به بارانداز اصلی ارسال سلاح به اوکراین و استقرار نظامی ناتو در شرق اروپا حالا قدرتمند به‌حساب می‌آید، دهانش را برای بلعیدن اوکراین باز کرده است. گفته می‌شود آن کشور برای تضعیف بیش از پیش اوکراین، محدودیت‌های غیرمستقیم اقتصادی علیه این کشور وضع کرده است. در همین رابطه شعیب بهمن، کارشناس مسائل بین‌الملل در یادداشتی در خبرگزاری اسپوتنیک این اقدامات را این‌گونه برشمرده است:

۱ ممنوعیت واردات غلات، شیر و تعدادی فرآورده از اوکراین برای حمایت از تولید داخلی خود

۲ الزام پناهندگان اوکراینی به پرداخت نیمی از هزینه مسکن و انصراف از میزبانی رایگان

۳ لغو تصمیمات مربوط به اعطای غذای رایگان، حمل‌ونقل عمومی رایگان و کمک‌های مالی

۴ افزایش هزینه‌های زندگی از ۵۰ به ۷۵ درصد درصورت تغییر مدت اقامت اوکراینی‌ها از ۱۲۰ به ۱۸۰ روز.

گفته می‌شود لهستان در هدف نزدیک خود الحاق شمال غربی اوکراین به خاکش را پیگیری می‌کند که مدت‌ها پیش از دستان لهستانی‌ها خارج شده است. هرچند ورشو در هدف دوردست خود دستیابی به سواحل دریای سیاه را نیز مدنظر دارد؛ هدفی که با توجه به توازن قوای موجود در خاک اوکراین، تحقق آن بعید به‌نظر می‌رسد. پیش‌تر این‌گونه تلقی می‌شد که اوکراین پس از جنگ حتی درصورت شکست، با باقی‌مانده خاکش به عضویت ناتو درخواهد آمد اما امروز یک سناریوی دیگر درحال رخ‌نمایی است؛ پیوستن بخشی از خاک اوکراین به ناتو به‌شکل غیرمستقیم و از طریق الحاق به خاک لهستان. نکته مهم این است که این الحاق و پیوستن بخشی از خاک اوکراین به ناتو می‌تواند در حین جنگ نیز رخ بدهد. هرچند مجموعه غرب امروزه چندان نسبت به این واقعیت پیش‌رو خشنود نیست، اما براساس شرایط احتمالا ناچار از پذیرش آن خواهد شد. هم‌اکنون و همچنین در آینده می‌توان استدلال کرد، این اقدام براساس شرایط، تصمیمی ناگزیر بوده است.

واگنر؛ از اوکراین به لهستان

۱ واگنر با توجه به ماهیت خود و حضورش در نقل‌وانتقال تجهیزات و فروش طلا و... احتمالا قادر به ایجاد شبکه‌هایی در شرق اروپا نیز شده باشد. این گروه می‌تواند از طریق این شبکه‌ها، به‌طور مستقیم التهاب‌آفرینی در اروپای شرقی را کلید بزند. حتی اگر چنین نباشد، واگنر می‌تواند حملات بدون مسئولیتی را در اروپا انجام دهد. «آرتورس کریشیانیس کاریوس»، نخست‌وزیر لتونی معتقد است: «واگنر احتمالا یک تهدید نظامی جبهه‌ای نیست، بلکه تهدیدی به‌منظور نفوذ به اروپا برای اهداف نامعلوم است.»

۲ واگنر تجربه پیشروی آسان و سریع به‌سمت مسکو در کمتر از نیم‌روز آن هم با پیمودن ۷۵۰ کیلومتر (سه‌چهارم مسافت) را به‌همراه خود دارد. «گابریلیوس لاندسبرگیس» وزیر امور خارجه لیتوانی گفت سرعت پیشروی واگنر در مسکو- رانندگی صدها کیلومتر در یک مسابقه یک روزه به‌سمت پایتخت- نشان داد دفاع از کشورهای بالتیک باید تقویت شود. او گفت: «بنابراین ممکن است ۸ تا ۱۰ ساعت طول بکشد تا آنها به‌طور ناگهانی از جایی در بلاروس به لیتوانی برسند. این وضعیت یک محیط بی‌ثبات‌تر و غیرقابل پیش‌بینی برای منطقه ما ایجاد می‌کند.» نیروهایی مثل واگنر که به‌صورت ستونی به‌سمت مسکو حرکت کردند، تنها قادر به انجام چنین ریسکی هستند و ارتش‌ها از چنین اقدامی خودداری می‌کنند. ارتش‌ها حتی اگر بدانند تهاجم ابتدایی‌شان با واکنش مواجه نمی‌شود، به‌دلیل جنبه حیثیتی و کاهش تلفات سنگین به‌شکل ستونی در جاده‌ها به‌سمت اهداف پیشروی نمی‌کنند؛ چه اینکه شورش واگنر نیز درنهایت شکست خورد. با این حال واگنر با وجود نیروهای اندک خود در بلاروس که ۸ هزار نفر تخمین زده می‌شوند، می‌تواند ناگهانی به شکل ستونی به‌سمت یکی از شهرهای مهم لهستان یا پایتخت لتونی و لیتوانی حرکت کند. اگر ۴ هزار سرباز واگنر به‌صورت ستونی به ویلنوس بروند، به اطراف این شهر خواهند رسید اما قطعا به‌سرعت سرکوب می‌شوند با این حال این پیشروی اثرات خاص خود را داشته و هراس‌آور خواهد بود.

۳ پوتین سعی کرده با به کارگیری چندروش واگنر را تضعیف کند. او ابتدا تعدادی از نیروهای واگنر را که به‌دنبال شغل هستند در شاخه‌های رسمی نیروهای مسلح روسیه جذب کرده است. باید درنظر داشت تمام این سربازان در شورش نقش نداشته یا نقش سیاهی لشکر بی‌خبر از همه‌جا را ایفا کرده و صرفا مجری اوامر فرمانده و رئیس خود بوده‌اند. او همچنین با نصب فرمانده‌ای جدید تلاش دارد بخشی از ظرفیت‌های این گروه را حفظ کند. پوتین می‌خواهد آن دسته از سربازان واگنر را که مقصر هستند، به اقدامات انتحاری بکشاند.

۴ تهدید بالقوه واگنر باعث‌شده تا نیروهای لهستان در مرز مستقر شوند. در لهستان، نخست‌وزیر و وزیر دفاع از سربازان در شمال‌شرق این کشور بازدید کردند. بلاشاک وزیر دفاع گفت: «ما مرز با بلاروس و منطقه کونیگزبرگ را تقویت کرده‌ایم. ما از این تهدیدات آگاه هستیم و با پیش‌بینی حملات به آن پاسخ می‌دهیم. بالاخره ما دو سال است که با یک حمله هیبریدی در مرز لهستان روبه‌رو هستیم.» لتونی، لیتوانی و حتی استونی هم باید نیروهایشان را در مرز برای جلوگیری از هر حمله پیش‌دستانه‌ای، در تمام طول مرز مستقر کرده و در خط دفاعی خود عرض قابل توجهی را برای پوشش عقبه خود درنظر بگیرند. همچنین باید نیروهای واکنش سریع تقویت و در آماده‌باش بیشتری قرار گیرند. این تمهیدات برای جلوگیری از شکست مرز در یک نقطه و هجوم ستونی واگنر لازم است.

۵ نیروهای واگنر می‌تواند غیر از هجوم ستونی، به اشکال دیگر نیز اعضای ناتو در شرق اروپا را آزار دهند؛ از طریق اقدامات جنگی موردی یا اقدامات فروجنگی. هجوم دسته‌های مسلح به ایستگاه‌های مرزبانی، شلیک پراکنده خمپاره یا استفاده از پهپادها و کوادکوپترهای کوچک بخشی از این اقدامات هستند.